

# روندها و رخدادهای سیاسی مؤثر در بحران یمن

دکتر مهدی میرزاده کوهساهی\*

## اشاره:

طولانی شدن حملات نظامی ائتلاف بین‌المللی با محوریت عربستان سعودی و امارات متحده عربی به یمن و بی‌نتیجه‌بودن این حملات، انتقادات مجامع جهانی و حتی متحدان غربی این کشورها را در پی داشته است. در حالی که شرایط انسانی در یمن وضعیت نگران‌کننده‌ای دارد، جامعه جهانی منتظر انتقال قدرت در ایالات متحده آمریکا و سیاست دولت جدید این کشور درباره بحران یمن است. این نوشتار ضمن مروری بر رخدادهای مهم یمن در ماه‌های گذشته، به تحلیل آخرین تحولات سیاسی این کشور پرداخته است.

## مقدمه

با آنکه توجه غالب رسانه‌های خبری و محافل سیاسی به سوی سوریه و عراق متمرکز است، بحران یمن وضعیت تراژیک و غمباری یافته است. کشور فقیر حاشیه شبه‌جزیره عربستان از زمان شروع شورش مردمی برای سرنگونی علی عبدالله صالح، در حاشیه توجه جامعه جهانی، کشورهای اسلامی و مجامع بین‌المللی بوده است و این امر راه را برای عربستان سعودی همسایه قدرتمند این کشور باز گذاشته تا در سایه اختلافات سیاسی و فرقه‌ای موجود در این کشور، رؤیای یمن مستقل و قدرتمند را حداقل برای چند دهه از اذهان شهروندان این کشور پاک کند.

بحران یمن در آستانه هفتمین سال خود، در ماهیت، تغییر چشمگیری نداشته است. به استثنای چند چرخش مبتدیانه از سوی حوثی‌ها و منصور هادی در مقابل

چرخش ماهرانه علی عبدالله صالح و ارتقای محبوبیت از دست‌رفته وی (حداقل در نیمه شمالی کشور)، در این کشور عناصر، روند و رویه‌ها، نسبتاً ثابت مانده‌اند. یافشاری گروه‌های قبایلی، احزاب سنی و اخوانی و متحدان عربستان سعودی مبنی بر عدم پذیرش گروه انصار الله شاخه سیاسی نظامی جنبش حوثی به عنوان نیروی مسلط سیاسی در کشور، به همراه بدبینی جامعه عربی، اسلامی و بین‌المللی نسبت به ماهیت و سیاست این گروه جوان و تازه‌وارد به عرصه قدرت و سیاست یمن، سبب شد هیچ‌گونه اقدام و مقاومت جدی نسبت به یورش فراگیر عربستان و متحدان این کشور به یمن وجود نداشته باشد. تنها استثناء در این زمینه، جمهوری اسلامی ایران به عنوان حامی معنوی و سیاسی انصار الله بود که از قضا پشتیبانی ایران از حوثی‌ها بر بدبینی سعودی‌ها نسبت به اهداف آن‌ها و آینده یمن تحت کنترل آن‌ها افزود و در این میان تلاش‌ها و وساطت‌های سلطان‌نشین عمان برای تلطیف و تقریب دیدگاه‌ها نیز مؤثر واقع نشد. مخالفت عربستان با حوثی‌ها که با قدرت یافتن آن‌ها به دشمنی انجامید، در ابتدا سعودی‌ها را به حمایت از علی عبدالله صالح دیکتاتور زیدی مذهب این کشور سوق داد، با کنار گذاشتن صالح و ریاست جمهوری منصور هادی سنی مذهب که اشتراک دیدگاه بیشتری با سعودی‌ها داشت و از استقلال عمل کمتری

\* عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی

## فشار نظامی برای پذیرش دولت هادی

یک سال بمباران مناطق مختلف یمن و زور آزمایی طرفین، تغییری در کنترل سرزمین و ساختار سیاسی یمن ایجاد نکرد و تنها به تعمیق شکافها، نابودی زیرساختها، تلفات گسترده انسانی، فقر عمومی، گسترش نابسامانی و رشد گروه‌های تروریستی همسو و مؤتلف القاعده و داعش انجامید. از همین رو، در اوایل سال جاری با تلاش‌های سازمان ملل و وساطت برخی کشورهای عربی، طرفین در کویت گرد هم آمدند تا درباره آتش‌بس دائمی و فرایند انتقال قدرت و مدیریت سیاسی کشور به توافق برسند، اما توقف بمباران سعودی‌ها که بر اساس توافق صورت گرفته یکی از پیش شرط‌های مذاکره بود بارها نقض شد و این اقدام با شکایت و اعتراض حوثی‌ها و هواداران علی عبدالله صالح همراه شد. جناح منصور هادی، خلع سلاح انصار الله و عقب‌نشینی این گروه و هوادارانش از استان‌های صنعا، تعز و الحدیده را پیش شرط مذاکره گروه‌های یمنی اعلام کرد، اما انصار الله و متحدانش این درخواست را ترفندی از سوی سعودی‌ها برای از بین بردن این گروه و در اختیار گرفتن پایتخت می‌دانست. در نهایت، پافشاری طرفین بر مواضع خود و آن گونه که اسماعیل ولد شیخ نماینده سازمان ملل برای حل بحران یمن می‌گوید «بی‌اعتمادی طرفین به یکدیگر»، مانع دستیابی به هر گونه توافق شد. عربستان امیدوار بود با محاصره یمن و بمباران گسترده مناطق که در بسیاری از موارد تلفات انسانی بسیار بالایی

برخوردار بود، عربستان برای مدتی کنترل اوضاع را در دست گرفت، اما فقدان توجه به خواسته‌های شهروندان و نادیده گرفتن وزن و جایگاه حوثی‌ها به تضعیف هادی و در نهایت کنار گذاشتن آن توسط انصار الله منجر شد. این اقدام انصار الله که با نکوهش جهانی همراه بود، در نهایت به حمله نظامی عربستان به یمن به بهانه پشتیبانی از دولت قانونی و رسمی هادی و سرکوب انصار الله منجر شد.

عربستان پس از ماه‌ها بمباران، توانست مقرر دولت مورد حمایت خود را از صنعا در شمال به عدن در جنوب کشور منتقل کند؛ با این حال به دلیل عدم همراهی قبایل، شهروندان و نخبگان سیاسی عمدتاً چپ‌گرای جنوبی با منصور هادی و عربستان، دولت مستقر در عدن، جنبه نمادین دارد.

با آغاز عملیات نظامی عربستان در اوایل سال ۱۳۹۴ با عنوان «طوفان قاطعیت» که با بمباران شدید مناطق یمن همراه بود و تاکنون نیز با عنوان عملیات احیای امید ادامه دارد، تغییرات قابل توجهی در عرصه میدانی به وجود نیامد و عربستان پس از ماه‌ها بمباران، توانست مقرر دولت مورد حمایت خود را که دولت رسمی یمن بود، از صنعا در شمال به عدن در جنوب کشور منتقل کند. با این حال به دلیل عدم همراهی قبایل، شهروندان و نخبگان سیاسی عمدتاً چپ‌گرای جنوبی با منصور هادی و عربستان، دولت مستقر در عدن فرایند رویارویی با ارتش تحت کنترل صالح و شبه‌نظامیان هوادار انصار الله را مدیریت می‌کنند.

این کشور را فاقد مشروعیت دانسته و برای پیشبرد امور و سیاست‌گذاری کلان کشور «شورای عالی سیاسی» را تشکیل دادند. بر اساس توافق، این شورا متشکل از ۱۰ عضو است که هر یک از گروه‌های کنگره مردمی یمن و متحدان آن و همچنین انصار الله به همراه متحدانش به صورت مساوی ۵ عضو در آن دارند. از طریق این شورا برای اداره یمن در ابعاد سیاسی، نظامی، امنیتی، اقتصادی، اداری، اجتماعی و دیگر ابعاد بر اساس قانون اساسی تلاش‌هایی همسو صورت خواهد پذیرفت. شورا همچنین می‌تواند برای مدیریت کشور و مقابله با تجاوز به یمن، تصمیم‌گیری کرده و لوایحی را تصویب کند. ریاست شورای مذکور به صورت دوره‌ای میان دو طرف تعویض می‌شود و هم‌زمان گروه دیگر نیز به عنوان نائب رئیس شورا فعالیت می‌کند. انصار الله پس از تسلط بر صنعا پارلمان را منحل و شورایی با بیش از ۵۰۰ عضو متشکل از نخبگان قبیله‌ای و سیاسی تشکیل داد که این شورا خود شورای پنج‌نفره ریاست جمهوری را تشکیل می‌داد. با آغاز به کار مجدد و هر چند محدود پارلمان و تشکیل شورای عالی سیاسی، بخشی از خلأ قدرت در صنعا از بین رفت، با این حال قضاوت درباره کارآمدی این شورا در آینده میسر است. از سوی دیگر، این شورا تنها بر نیمی از کشور حکومت و نظارت دارد. در نخستین دوره این شورا، سه تن از مقامات بلندپایه حزب کنگره، دو تن از اعضای شورای سیاسی انصار الله و رئیس حزب سوسیالیست یمن حضور دارند و سایر اعضا افرادی نزدیک به هر دو جناح هستند. تشکیل این شورا در پاسخ به انتقادات از انصار الله مبنی بر انحصار قدرت توسط این گروه و برای مشارکت دادن گروه‌های مختلف به ویژه اعضا و هواداران حزب کنگره ملی یمن یعنی حزب علی عبدالله صالح، فن‌سالاران و نیروهای بی‌طرف در قدرت صورت گرفت. در جلسه پارلمان که ۲۳۸ عضو از ۳۰۱ عضو آن از حزب کنگره مردمی است به شورای سیاسی برای اداره یک‌جانبه کشور رأی اعتماد داده شد و به دنبال آن اختیارات نخست‌وزیر نیز به این شورا منتقل شد. این شورا در یکی از نخستین اقدامات خود تلاش کرد با پیشنهاد آتش‌بس دوجانبه به ریاض در مقابل توقف حملات موشکی به مرزها و مناطق داخلی عربستان، بمباران مناطق یمن توسط سعودی‌ها را متوقف سازد، اما این اقدام با پاسخی از سوی عربستان همراه نبود. این شورا که اکنون مهم‌ترین نهاد

داشت، جامعه یمن را وادار کند تا با فشار بر حوثی‌ها و هواداران صالح، آن‌ها را برای پذیرش شرایط عربستان و منصور هادی مهیا کنند، اما مدیریت روانی و رسانه‌ای ماهرانه انصار الله و حزب کنگره مردمی مانع تحقق این هدف سعودی‌ها و هادی شد. در مقابل تبلیغات و تأکید طرفین بر مسائل مذهبی، بر ماهیت فرقه‌ای جنگ افزود، به گونه‌ای که بازنمایی فعلی جنگ در رسانه‌های عربی هوادار دو طرف، بحران یمن را جنگی مذهبی بین شیعیان هوادار ایران و سلفی‌ها و تکفیری‌های طرفدار عربستان به تصویر می‌کشد. با این حال، در هر دو طرف انتقاداتی به تداوم وضع موجود وجود دارد، اما صدای منتقدان ضعیف‌تر از آن است که در هیاهوی جنگ و بمباران‌ها به گوش برسد. در عربستان هزینه‌های سنگین جنگ و تداوم آن، که با انتقاد مجامع و نهادهای بین‌المللی و متحدان سعودی‌ها همراه شده، موقعیت و منزلت سیاسی وزیر دفاع را کاهش داده، اما پایان جنگ حداقل در برهه فعلی و بدون وساطت نهادهای بین‌المللی و قدرت‌های بزرگ، شکستی است که عربستان برای فرار از آن ترجیح می‌دهد همچنان به حملات خود ادامه دهد. هر چند اندک خوش‌بینی‌های موجود مبنی بر احتمال تسلیم ائتلاف انصار الله و حزب کنگره نیز در تصمیم سعودی‌ها برای ادامه جنگ بی‌تأثیر نیست.

### تشکیل شورای عالی سیاسی

با امیدوارکننده‌نبودن چشم‌انداز مذاکرات کویت، ائتلاف انصار الله و حزب کنگره مردمی، هواداران هادی و دولت مستعفی



سیاسی کشور است، در اقدام دیگری فرمان عفو عمومی صادر کرد و به شهروندانی که در صف نیروهای وابسته به سعودی‌ها می‌جنگند، دو ماه فرصت داد تا از این فرصت عفو عمومی استفاده کنند که در بسیاری از مناطق با استقبال مواجه شد.

### تشکیل دولت نجات ملی

از دیگر اقدامات شورای عالی سیاسی، تشکیل دولت نجات ملی در اواسط مهرماه ۱۳۹۵ است. این اقدام با انتخاب «عبدالعزیز صالح بن حبتور» اقتصاددان جنوبی که سابقه معاونت وزارت آموزش و پرورش، ریاست دانشگاه عدن در دوره صالح و استانداری عدن در دوره منصور هادی را در کارنامه خود دارد، شروع شد. بن حبتور در سپهر سیاسی یمن، بدون توجه به عضویتش در حزب کنگره عموماً فردی تکنوکرات شناخته می‌شود. کابینه تشکیل شده توسط وی نیز از همین خصیصه برخوردار است و تعداد افراد تکنوکرات، ملی‌گرا و همکاران سابق منصور هادی و خالد بحاح نخست‌وزیر سابق یمن پیش از تسلط انصار الله بر صنعا در آن چشمگیر است. یکی از ایرادات اساسی که به نظر می‌رسد در تشکیل شورای عالی سیاسی وجود دارد، جدایی شمال از جنوب و در نتیجه امکان تجزیه یمن است. انتخاب بن حبتور به عنوان یکی از نخبگان سیاسی جنوب و همچنین شماری از اعضای کابینه وی که جنوبی هستند، تا حد زیادی از بدبینی‌ها کاست. با این حال، با توجه به تثبیت نسبی وضعیت مناطق تحت کنترل طرفین، به نظر می‌رسد در صورت عدم عقب‌نشینی منصور هادی و عربستان، یمن در عمل تجزیه خواهد شد. هم‌اکنون نیمه شمالی کشور در کنترل ائتلاف انصار الله، حزب کنگره و مؤتلفان آن‌ها است و این گروه نه توانایی تصرف مناطق جنوبی را دارد و نه از انگیزه کافی برای این امر برخوردار است. با کسب تجربه از گذشته و هم‌پیمانی با علی عبدالله صالح، انصار الله اکنون به خوبی واقف است که تحرکات نظامی بدون توجه به مشروعیت داخلی و قواعد بین‌المللی منجر به تشدید فشارهای داخلی و خارجی علیه این گروه و هم‌پیمانان آن خواهد شد و این امر حتی سبب خواهد شد در برابر اقدامات تجاوزکارانه و ظالمانه سعودی‌ها و سایر نیروهای خارجی تنها بماند.

پس از عدم موفقیت مذاکرات کویت، در آبان ماه طرح دیگری از سوی نماینده سازمان ملل در امور یمن به طرفین پیشنهاد شد که کلیت آن با موافقت طرفین همراه شد. این طرح اعلام آتش‌بس، مذاکرات فراگیر صلح، خلع سلاح انصار الله و هواداران صالح، تشکیل دولت وحدت ملی و کناره‌رفتن هادی و معاونانش از قدرت را در بر می‌گرفت. بر این مبنا، مذاکرات باید در ۳۰ روز منجر به تشکیل دولت وحدت ملی می‌شد و دولت‌های امارات متحده عربی، عربستان، آمریکا و انگلیس به همراه شورای همکاری خلیج فارس بر آن نظارت داشتند. در همین مدت کابینه نیز باید انتخاب می‌شد؛ به گونه‌ای که ۵۰ درصد از وزرا از جنوب و ۳۰ درصد از آن‌ها از میان زنان انتخاب می‌شدند. این طرح نیز اگرچه هنوز کاملاً کنار گذاشته نشده است، اما اقدامی مبتنی بر آن برای بازگشت صلح صورت نگرفته است.

### بازگشت آرام صالح و ناکامی انقلاب؟

رصد تحولات یمن نشان‌دهنده بازگشت تدریجی و آرام علی عبدالله صالح به قدرت در یمن است. صالح بسیاری از پیوندهای سابق خود با سران قبایل را حفظ کرده، از قدرت حزبی خود و نفوذ گسترده در ارتش برای پیشبرد اهداف خود سود می‌برد. وی با آگاهی از بی‌تجربگی انصار الله و شرایط نامناسب یمن، خود را به سوی ائتلاف با انصار الله سوق داد. در شرایط فعلی مقبولیت نسبی انصار الله در مناطق شمالی به همراه نفوذ صالح در ارتش، رمز ماندگاری این دو نیرو بوده است. با



زیادی از شهروندان به ویژه در جنوب کشور شخصیت سیاسی منفوری است و یکی از رموز موفقیت حداقلی منصور هادی و جناح هم‌پیمان عربستان در تصرف عدن و مناطق جنوبی نیز نفرت از صالح و هم‌پیمانان وی است.

### تحولات منطقه و بحران یمن

اگرچه یمن در میان کشورهای منطقه، وضعیت داخلی منحصر به فردی دارد، اما تداوم بحران در این کشور علاوه بر وضعیت داخلی و کنش‌گران سیاسی درون این کشور، از تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی نیز بی‌تأثیر نیست. شدت یافتن بحران در یمن تا حد زیادی با تحولات کشورهای عربی به ویژه عربستان، سوریه، عراق و بحرین در ارتباط است. واهمه اعراب به ویژه عربستان از آنچه به سیاست مداخله‌جویانه ایران در خاورمیانه تعبیر می‌کنند، سبب شده کشورهای عربی منطقه رویارویی فراگیری را با ایران در منطقه شروع کنند. تصور عمومی اعراب بر آن است که انصار الله گروهی وابسته به ایران است و ایران درصدد است از این طریق با تسلط بر خارج نزدیک عربستان، امنیت و موجودیت این کشور را تهدید کند. از سوی دیگر یمن برای عربستان و اعضای شورای همکاری خلیج فارس پاره‌سنگی است که در وزن کثی خود و ایران در سوریه، عراق و حتی لبنان از آن استفاده می‌کنند. این در حالی است که هرگونه بی‌ثباتی در یمن به طور مستقیم امنیت سعودی‌ها و به طور غیر مستقیم امنیت برخی دیگر از شیخ‌نشین‌های خلیج فارس را تهدید می‌کند. عدم تحقق حداکثری منافع عربستان در لبنان، شکست گروه‌های هم‌پیمان اعراب در سوریه و افزایش نفوذ ایران در عراق سبب شده حساسیت و تمرکز اعراب منطقه خلیج فارس بر یمن بیشتر شود. با این حال، انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و نتیجه غیرقابل‌تصور آن برای اعراب به ویژه عربستان سبب شده است سعودی‌ها حداقل تا پس از روی کار آمدن ترامپ و نهایی شدن انتقال قدرت در آمریکا از اتخاذ تصمیم راهبردی درباره یمن اجتناب کنند. با توجه به هزینه‌های بالای نظامی جنگ برای عربستان، بی‌تأثیر بودن حملات نظامی، انتقادات داخلی از محمد بن سلمان و همچنین فشارهای جامعه بین‌المللی، سعودی‌ها نیز در پی خاتمه‌دادن بحران یمن هستند، اما با شرایط مذکور ترک یمن به منزله شکست سنگینی برای عربستان خواهد

این حال، به نظر می‌رسد در این ائتلاف پیروز نهایی صالح است. صالح از طریق هم‌پیمانی با انصار الله به بازسازی وجهه نامناسب خود در اذهان عمومی پرداخت و با ایستادگی در کنار انصار الله خود را پرچم‌دار مقابله با تجاوز خارجی سعودی‌ها معرفی کرد. این در حالی است که برای نخستین بار وی بود که به عربستان پناهنده شد و با همکاری عربستان، زمینه را برای ریاست منصور هادی مهیا کرد. صالح به خوبی واقف است که بی‌سامانی و ناامنی فعلی، شهروندان یمنی را با چنان مصائبی درگیر کرده است که غالب آن‌ها انقلاب ۲۰۱۱ و فلسفه آن را به فراموشی سپرده‌اند یا آرزوی بازگشت به شرایط پیش از آن را دارند. هم‌پیمانی انقلابیون (انصار الله) و دیکتاتور سابق در یک جبهه به منزله نابودی انقلاب مردمی است و شهروندان یمنی به خوبی این موضوع را دریافته‌اند. در این میان آن‌ها انصار الله را عامل انحراف انقلاب و از دست رفتن دستاوردهای حداقلی آن می‌دانند. انصار الله امروزه متهم است به عنوان یکی از گروه‌های دخیل در انقلاب، قدرت را قبضه کرده و با اقدامات غیر دیپلماتیک کشور را در معرض تجاوز داخلی قرار داده است. این در حالی است که صالح که از ذکات سیاسی بیشتر و دستگاه تبلیغاتی مؤثرتری برخوردار است، این واقعت را به شهروندان یمنی القاء می‌کند که سرسخت‌ترین دشمن سابقش یعنی انصار الله نیز اکنون معترف است که صالح بهترین گزینه برای مدیریت و تصمیم‌گیری درباره آینده کشور است. این در حالی است که صالح در میان بخش‌های



بود. از سوی دیگر با توجه به بدبینی ترامپ و مواضع منفی وی نسبت به عربستان، در برهه زمانی کنونی، مسئله چگونگی مرادده با کابینه ترامپ و آینده روابط عربستان و ایالات متحده آمریکا، مهم ترین دغدغه زمامداران عربستان است. قطع همکاری نظامی آمریکا با عربستان به دلیل بمباران بدون دلیل مناطق مسکونی در دولتی همسو با ریاض نشان می دهد، عربستان باید نگران تشدید اختلافات با آمریکا در دولت ترامپ باشد، دولتی که هرگونه همکاری با عربستان را به پرداخت همه هزینه های آن توسط این کشور مشروط کرده است.

### نتیجه گیری

جنگ یمن از آغاز تاکنون جان بیش از ۱۰ هزار نفر را گرفته است. همچنین بیش از دو میلیون نفر از شهروندان این کشور آواره شده اند و ۸۰ درصد آن ها به کمک فوری نیاز دارند و بنا بر آمار نهادهای جهانی هر پنج دقیقه یک کودک بر اثر عواقب ناشی از جنگ جان می دهد. نهادهای بین المللی همچنین اعلام کرده اند بیش از ۸۰ درصد تأسیسات زیربنایی حیاتی در این کشور بر اثر بمباران سعودی ها از بین رفته است. آنچه در یمن اتفاق می افتد، تراژدی سختی است که امکان پایان آن حداقل بدون رضایت طرف مقابل امکان پذیر نیست و رضایت طرف های درگیر نیز بدون فشار نهادهای بین المللی و وساطت و مداخله قدرت های بزرگ، جلب نخواهد شد.

با توجه به عدم تحقق آرمان های انقلاب و انحراف در آن، بی تجربگی انصار الله و قدرت یافتن تدریجی صالح این امکان وجود دارد که دیکتاتور سابق بتواند از طریق مذاکره با اعراب یا قدرت های بزرگ نفوذ گذشته خود را باز یابد. با آنکه صالح هم اکنون متحد انصار الله است، اما قدرت گرفتن مجدد صالح به ویژه با حمایت خارجی به منزله عدم تحقق همه آرمان های انقلاب یمن است و مسئولیت این عدم تحقق از نظر شهروندان یمنی بر عهده انصار الله است. از این رو، برای جلوگیری از تداوم شرایط ناگوار انسانی در این کشور و همچنین بدتر شدن شرایط سیاسی، هرگونه توافق که منجر به مشارکت گروه های سیاسی بر اساس وزن اجتماعی آنان در یمن شود، توافقی مطلوب است و جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان کشوری که دارای علقه های

هویتی با بخش عمده ای از مردم یمن است، باید از آن حمایت کند. هم اکنون تعداد نهادهای سیاسی و مراکز تصمیم گیر در یمن به ویژه بخش شمالی آن سبب شده است که ساختار قدرت و سلسله مراتب آن دائماً تغییر کند و این امر بر نارضایتی از انصار الله به عنوان گروهی که ساختار سابق را دگرگون کرد، افزوده است. از سوی دیگر، حضور نظامی انصار الله در پایتخت اگر چه اجتناب ناپذیر می نماید، اما این امری نیست که بتواند برای مدتی طولانی تداوم داشته باشد و تداوم چنین روندی علاوه بر بدبینی جامعه جهانی، مانع از گفتگوی مؤثر ملی برای آغاز شرایط گذار سیاسی خواهد بود. از این رو، لازم است این گروه در فرایندی چند مرحله ای و گام به گام حضور نظامی خود در صنعا را کاهش داده و مذاکرات سیاسی را در اولویت قرار دهد. بدیهی است در این فرایند جمهوری اسلامی ایران می تواند به عنوان مشوقی مؤثر و مشاوره قابل اتکاء انصار الله را برای همراهی بیشتر با فرایند صلح و هم نوایی با ارزش های بین المللی همراهی کند.